

Religious Studies

Vol. 8, No. 16, March 2021

(DOI) 10.22034/jrr.2021.245443.1761

A Comparative Study of Examples of "Benevolence" in the Quran and the Bible¹

Pari Firuzfard *

Seyyed Ahmad Miriyan Akandi ** Morteza Khorrami *** Mahdi Afchangi ****

(Received: 2020-08-25; Accepted: 2020-11-07)

Abstract

Benevolence is one of the valuable moral concepts that has been seriously and fundamentally emphasized in the teachings of Islam and previous religions. According to the biblical texts, it can be said that the ultimate goal of the divine religions is the expansion and extension of charity. In the Quran and the Bible, valuable verses and teachings have been mentioned, the practice of each of which can guide man to his destination and smooth the path for his approach to God more than before. This research has been done based on descriptive-analytical method and with the aim of applying the view of the Quran and the books of the Bible about the examples of "benevolence". As a result, according to the verses of the Quran and the teachings of the Bible, a clear picture of the real position of the Quranic teachings in the institutionalization of moral teachings and its greater impact on the teachings of the Bible can be provided. The results of a comparative study show that the examples of "benevolence" in the Quran and the Bible include zakat (almsgiving), charity, donation, feeding the needy and affection that can be assigned to different groups of society; but the difference is that in the Quran, benevolence is more diverse and emphasized than in the Bible.

Keywords Quran, Bible, Moral Doctrine, Benevolence, Comparative Study.

1. This article is taken from: Pari Firuzfard, "Application of Ethical Teachings in the Social Field from the Perspective of the Quran and the Bible", 2021, PhD Thesis in the Quran and Hadith, Supervisor: Seyyed Ahmad Miriyan Akandi, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

* PhD Student in Quranic and Hadith Sciences, Department of Theology, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran, p.firuzfard@gorganiau.ac.ir.

** Assistant Professor, Department of Theology, Islamic Azad University, Sari Branch, Sari, Iran (Corresponding Author), mirian@iausari.ac.ir.

*** Assistant Professor, Department of Theology, Islamic Azad University, Ghaemshahr Branch, Ghaemshahr, Iran, morteza.khorami@qaemiau.ac.ir.

**** Assistant Professor, Department of Theology, Islamic Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran, m.afchangi@gorganiau.ac.ir.

بررسی تطبیقی مصادیق «احسان» در قرآن و عهدین^۱

پری فیروزفرد*

سید احمد میریان آکندی** مرتضی خرمی*** مهدی افچنگی****

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۷]

چکیده

«احسان» یکی از مفاهیم ارزشمند اخلاقی است که در تعالیم دین مبین اسلام و ادیان پیشین تأکید جدی و اساسی بر آن شده است. با توجه به متون کتب مقدس می‌توان گفت هدف غایی ادیان الهی، بسط و گسترش نیکوکاری است. در قرآن و کتب عهدین، آیات و تعالیم ارزشمندی ذکر شده است که عمل به هر یک از آنها می‌تواند انسان را به سرمنزل مقصود راهنمایی کند و مقدمات تقرب وی را به درگاه خداوندی بیش از پیش هموار سازد. این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و با هدف تطبیق دیدگاه قرآن و کتب عهدین درباره مصادیق «احسان» صورت گرفته است. در نتیجه با توجه به آیات قرآن و تعالیم عهدین، می‌توان تصویری روشن از جایگاه واقعی تعالیم قرآنی در نهادینه‌سازی آموزه‌های اخلاقی و تأثیر بیشتر آن بر تعالیم عهدین ارائه کرد. نتایج بررسی تطبیقی نشان می‌دهد مصادیق «احسان» در قرآن و کتب عهدین شامل زکات، صدقه، انفاق، اطعام نیازمندان و محبت است که می‌تواند به گروه‌های مختلف جامعه اختصاص یابد؛ اما تفاوتشان در این است که در قرآن نسبت به کتب عهدین، احسان تنوع بیشتری دارد و بر آن تأکید بیشتری شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، عهدین، آموزه اخلاقی، احسان، بررسی تطبیقی.

۱. برگرفته از: پری فیروزفرد، تطبیق آموزه‌های اخلاقی در حوزه اجتماعی از منظر قرآن و عهدین، رساله دکتری علوم قرآن و حدیث، استاد راهنما: سید احمد میریان آکندی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران، ۱۳۹۹.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه الهیات، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

P.Firouzfard@gorganiiau.ac.ir

** استادیار گروه الهیات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران (نویسنده مسئول) mirian@iausari.ac.ir

*** استادیار گروه الهیات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم‌شهر، قائم‌شهر، ایران morteza.khorami@qaemiau.ac.ir

**** استادیار گروه الهیات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، گرگان، ایران m.afchangi@gorganiiau.ac.ir

۱. طرح مسئله

دین نزد خداوند متعال یکی بیش نبوده و اختلافی در آن نیست (آل عمران: ۱۹)؛ از این رو خداوند بندگانش را جز به يك دین که همان اسلام و تسلیم در برابر آن است، مکلف نکرده است. بنابراین، اختلاف بین شرایع و ادیان به حسب کمال و نقص است نه به نحو تضاد و تنافی به گونه‌ای که راه را دو تا کند، آن هم به علت اختلافی که در استعداد امت‌های سابق و لاحق بوده است. از این رو خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً» (حدید: ۲۷). در واقع، آیه به این مطلب اشاره دارد که «راه انبیا یکی است، هرچند هر کدام در زمانی مبعوث شدند که باید انحراف زمان خویش را اصلاح می‌کردند» (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۳۱/۶).

در سخنی از حضرت عیسی (ع) نیز آمده است: «گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم، نیامده‌ام تا باطل نمایم، بلکه (آمده‌ام) تا تمام کنم. به شما می‌گویم تا آسمان و زمین زایل شود، همزه یا نقطه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود» (انجیل متی، ۱۹: ۵). قرآن نیز خود را در تضاد و تعارض با سایر کتب آسمانی نمی‌بیند، بلکه آیاتش را استمرار وحی آسمانی و در جهت تداوم کتب پیشین و البته ناظر و حامل و مکمل آنها می‌داند: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ» (مائد: ۴۸). قرآن اصول ثابت و لایتغیر کتاب‌های پیشین را حفظ کرده و فروعی را که تغییرپذیر است نسخ یا تکمیل می‌کند تا با حال انسان از نظر سلوک راه ترقی و تکامل مناسب باشد. در عین حال قرآن چنین یادآوری می‌کند: «راهی که انبیا به آن دعوت نموده‌اند، راهی است که نوع انسانی را وادار به پیمودن طریق فطرت، یعنی کلمه توحید کرده و به منطبق نمودن اعمال فردی و اجتماعی با اسلام برای خدا حکم می‌کند؛ همچنین، آنان را به بسط عدل و داد وادار کرده، تساوی حقوق حیاتی و حریت و آزادی در اداره صالحه و عمل نیکو را برای همگان ثابت داشته است» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۴۲۴/۳).

یکی از مسائل مهمی که ادیان الهی، به‌خصوص دین اسلام، برای آن اهمیت قائل شده و در معارف قرآنی و کتب عهدین نیز به آن توجه شده، آموزه‌های اخلاقی درباره

احسان و نیکوکاری به هموعان است. زیرا اخلاق با تزکیهٔ نفوس، روابط اجتماعی و اعمال فردی انسان پیوندی ژرف دارد و وجود جامعهٔ اخلاقی مطلوب باعث تنظیم روابط انسان با خدا می‌شود و ارتباط او را با اعضای جامعه سامان می‌بخشد و رستگاری و کمال فرد و اجتماع انسانی را تضمین می‌کند. اخلاق اجتماعی شعبه‌ای از علم اخلاق به معنای عام آن است و در آن بر ارزش‌هایی تأکید می‌شود که روابط صحیح بین آحاد مردم را تنظیم می‌کند. آموزه‌های اخلاقی در حوزهٔ اجتماعی بین دین اسلام و مسیحیت بر جهان‌بینی الهی استوار است. اشتراکات اخلاقی بین قرآن و اناجیل اربعه و صدور آموزه‌های اخلاقی در حوزهٔ احسان و نیکوکاری از منبعی واحد نشئت گرفته است. اما در این متون، بین فضایل و رذایل آموزه‌های اخلاقی تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد، که نشانگر جامعیت قرآن کریم و برتری تعالیم آن است. در قرآن و عهدین، وحی الهی بهترین شیوه برای به‌دست‌آوردن نظام اخلاقی است. از نظر پیروان کتب مقدس عهدین، منشأ اخلاق را باید در کلام خدا و متون مقدس جست‌وجو کرد.

با توجه به گستردگی مبحث کوشیده‌ایم فقط آن دسته از آموزه‌های اخلاقی را در حوزهٔ احسان و نیکوکاری انتخاب کنیم که در عهدین از آنها سخن رفته است، تا در نهایت امکان تطبیق بینشان فراهم شود، مانند زکات، صدقه انفاق، اطعام نیازمندان و محبت که تحت عنوان «آموزه‌های اخلاقی در ارتباط با دیگران» قرار می‌گیرد. حال این پرسش‌ها مطرح می‌شود که:

۱. قرآن و عهدین کدام یک از آموزه‌های اخلاقی را در حوزهٔ احسان و نیکوکاری مطرح کرده‌اند؟

۲. آیا آموزه‌های اخلاقی احسان در قرآن و عهدین، با هم همسو هستند یا اختلاف دارند؟

۳. جایگاه و اهمیت آموزهٔ اخلاقی احسان از منظر قرآن و عهدین چگونه تبیین شده است؟ اهمیت مسئلهٔ اخلاق و تهذیب نفس و نقش آن در سیر تکامل روحی و مادی انسان و همچنین تأثیر چشمگیر اخلاق در روابط اجتماعی و بهبود آن به قدری است که از اهداف رسالت انبیای الهی شناخته شده است.

۲. مفاهیم

۲.۱. احسان و نیکوکاری در قرآن و عهدین

از منظر تمام ادیان الهی، احسان و نیکوکاری تجلی روحیه والا و صفت زیبای نوع دوستی است که انسان‌ها در رابطه با همنوعانشان آن را جلوه‌گر می‌کنند. احسان به همنوع موجب گره‌گشایی می‌شود و نشان‌دهنده محبت و اظهار دوستی به دوستان است. در قرآن و عهدین تأکید شده است که محبت و دوستی مانند خون تازه در رگ‌های جامعه جریان می‌یابد و شور و نشاط به ارمغان می‌آورد. پس چون سلامت و شادابی فرد در گرو سلامت و شادابی اجتماع است، نوع دوستی و احسان به دیگران، خدمت به خویش و تلاش در راه رشد و پیشرفت خود است. در ادیان الهی، همه مردم اعضای یک خانواده‌اند که از منبع فیض الهی به وجود رسیده‌اند و در نهایت به سوی او باز می‌گردند. جامعه مانند خانواده‌ای است که هر شخص عضوی از اعضای آن به شمار می‌آید. هر کس در این خانواده بزرگ، در حق دیگران نیکوکارتر و دلسوزتر باشد و در رفع نیازهای آنها بر دیگران پیشی بگیرد، نزد خدای بزرگ که سرپرست این خانواده است، محبوب‌تر و روسفیدتر است و عاقبت بهتری دارد. در روایات اسلامی تأکید شده است که «خداوند بزرگ فرموده است: مردم خانواده من هستند. پس محبوب‌ترین آنها نزد من کسانی هستند که به مردم مهربان‌تر بوده و در تأمین نیازهایشان کوشاتر باشند» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۹۹/۲).

احسان و نیکوکاری از مسائل اخلاقی مطرح در قرآن کریم و کتب عهدین است که به‌جد به آن توجه شده است. موعظه معروف سر کوه حضرت عیسی سراسر توصیه به نیکی و رحم و شفقت و پاک‌دلی و نیک‌خواهی است (انجیل لوقا، ۲۰: ۶-۲۳). در قرآن نیز، این اصل از مهم‌ترین احکام شمرده می‌شود که اساس اجتماع بشری بر آن استوار بوده و صلاح و اصلاح عموم بدان بستگی دارد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ» (نحل: ۹۰).

در قرآن کریم و کتب عهدین مفاهیم مختلفی مانند «زکات»، «صدقه»، «انفاق»، «اطعام نیازمندان» و «محبت» به چشم می‌خورد که با توجه به مفهوم «احسان»، همه از مصادیق آن شمرده می‌شوند. در ادامه به هر یک از این مصادیق اشاره می‌کنیم.

۲.۱.۱. زکات و صدقه

واژه «زکات» در اصطلاح قرآنی، مختص به مالیات واجب شرعی نیست (خرمشاهی، ۱۳۸۳: ۱۱۴۶/۱). به بیان دیگر، زکات در قرآن کریم، اعم است از زکات واجب که در شرع تعیین شده و احسان‌هایی که انسان به اشخاص مستمند می‌کند، مانند این آیه که در قرآن آمده و طبق نظر مفسران (رازی، ۲۰۰۳: ۳۸۳/۴) در شأن علی (ع) است که در حال رکوع، انگشتی خود را به نیازمندی داد: «إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مانده: ۵۵). لفظ «زکات» در قرآن کریم بیش از سی بار به کار رفته که در بیشتر آیه‌ها، همراه با نماز و به تعابیر مختلف، بر انجام‌دادنش تأکید شده است و بعضاً خطاب به بنی‌اسرائیل است، مانند: «وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ» (بقره: ۱۷۷)؛ «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ» (بقره: ۴۳)؛ «وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» (نساء: ۱۶۲). و از قول حضرت عیسی (ع) آمده است: «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» (مریم: ۳۱). این تعبیرها پیوستگی این دو عمل عبادی و اهمیت زکات را در فقه و اخلاق اسلامی نشان می‌دهند.

«صدقه» نیز همانند «زکات» مفهومی بسیار گسترده دارد و علاوه بر صدقات مستحب بر زکات واجب هم اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی: ۲۰۰۱: ۲۸۴). چنان‌که در این آیه آمده است: «إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَمَلِينَ عَلِيًّا وَالْمَوْلَةَ قُلُوبَهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَرَمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۶۰)؛ «همانا صدقات مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای [جمع‌آوری] آن زحمت می‌کنند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود، و برای [آزادی] بردگان و [ادای دین] بدهکاران، و در راه [تقویت آیین] خدا و واماندگان در راه، این یک فریضه [مهم] الهی است، و خداوند دانا و حکیم است». این آیه ضمن مشخص کردن مصادیق هشت‌گانه مصرف زکات، بر اهمیت این فریضه الهی که در سلامت اقتصادی جامعه اسلامی نقش بسیار اساسی و مهم دارد تأکید می‌ورزد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۶: ۴/۸). صدقه در قرآن برای مستحبات نیز به کار رفته و حتی در موضوعاتی مثل مهریه ازدواج نیز از مشتقات همین ماده استفاده شده است (نساء: ۴). درباره صدقه آمده است: «و اما

تو! هر گاه صدقه‌ای می‌دهی، نگذار دست چپ تو از آنچه دست راستت می‌کند آگاه شود. از صدقه‌دادن تو کسی باخبر نشود. پدری که هیچ چیز از نظر او پنهان نیست، اجر تو را خواهد داد» (انجیل متی، ۳: ۶). این سخن نظیر مضمون این آیه است که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «اگر صدقه خود را مخفی بدارید، بهتر است و گناهان شما را جبران می‌کند و در هر حال، خداوند از کارهای شما آگاه است» (بقره: ۲۷۱).

در کتاب مقدس از تعبیرات مختلفی برای ترغیب مردم به زکات و صدقه استفاده شده است. مثلاً در *مزامیر داوود* کسی که عمل خیری انجام می‌دهد و زکاتی می‌پردازد، علاوه بر کمک به مستمندان از سود روحانی برخوردار می‌شود و نیکوکاری‌اش تا ابد پایدار می‌ماند (*مزامیر داوود*، ۹: ۱۱۲). یا در *موعظه معروف سر کوه*، پادشاهی آسمانی را از آن کسانی می‌داند که در راه نیکی جفا می‌بینند (*انجیل متی*، ۵: ۸). در جای دیگر صدقه‌دادن را عملی می‌داند که خداوند خود اجر آن را خواهد داد و بالأخره عمل نیک باعث حیات جاودانی می‌شود و در مقابل، بی‌توجهی به فقرا و نیازمندان موجب کیفر ابدی می‌گردد (*انجیل متی*، ۴: ۶).

۲.۱.۲. انفاق

ماده «انفاق» به معنای خرج کردن و هزینه کردن است و شامل نفقه‌هایی مانند نفقه همسر و فرزندان و حتی مالی می‌شود که انسان در مصارف شخصی‌اش هزینه می‌کند. ولی انفاق در راه خدا که محل بحث است، از مصادیق احسان است؛ زیرا کاری است که توقع کار دیگری در ازای آن از طرف مقابل نمی‌رود و آنچنان که قرآن مجید در وصف آن، از قول افراد نیکوکار نقل می‌کند، این کار را فقط برای خدا انجام می‌دهند؛ چنان‌که در آیه قرآن آمده است: «وَيَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» (انسان: ۸-۹)؛ «غذای خود را با اینکه به آن علاقه [و نیاز] دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند [و می‌گویند]: ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم، و هیچ پاداشی و سپاسی از شما نمی‌خواهیم». این آیه نشان می‌دهد که این نوع کارها، یعنی کارهایی که اساسشان احسان است، فقط برای رضای خدا انجام می‌شود

و انتظار خدمت متقابل یا کار مادی از طرف مقابل در ازای آن نمی‌رود. بنابراین، می‌توان گفت یکی از ویژگی‌های بارز احسان همین است که برای خدا باشد.

در آیه دیگر نیز می‌فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (آل عمران: ۹۲)؛ «هرگز به [حقیقت] نیکوکاری نمی‌رسید، مگر اینکه از آنچه دوست دارید [در راه خدا] انفاق کنید و آنچه انفاق می‌کنید، خداوند از آن آگاه است». «بر» به معنای وسعت و افزونی در خیر و خوبی است و این معنا شامل همه خوبی‌های قلبی و عملی می‌شود. «آیه مذکور یکی از ارکان و پایه‌های رسیدن به بر و تمام خوبی‌ها را این می‌داند که انسان مؤمن از آنچه که دوست می‌دارد انفاق کند» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۵۶۵/۳).

مسئله انفاق در کتب عهدین نیز شبیه مصادیق قرآن کریم است. در انجیل متی درباره انفاق چنین آمده است: «هر گاه دو کس از شما انفاق کنند بر روی زمین، در هر چه طلب می‌کنند میسر می‌شود برای ایشان از جانب پدر من که در آسمان‌ها است» (انجیل متی، ۵۷: ۱۰۷). یکی دیگر از اصول تعلیمات اخلاقی عیسوی در اناجیل، که با اصل انفاق رابطه مستقیم دارد، نیکی و عمل خیر است. مسلماً آن که حتی محبت به دشمنان را دستور قرار می‌دهد، نمی‌تواند نیک‌خواهی به دیگران را از نظر دور بدارد. موعظه معروف سر کوه سراسر توصیه به نیکی و رحم و شفقت، پاک‌دلی و نیک‌خواهی است (آشتیانی، ۱۳۸۹: ۳۹۰).

همچنین، در جایی دیگر این چنین آمده است: «خوشا به حال کسانی که گرسنه و تشنه نیکی مطلق هستند، زیرا ایشان سیر خواهند شد. خوشا به حال رحم‌کنندگان، زیرا ایشان رحمت خواهند دید. خوشا به حال پاک‌دلان، زیرا ایشان خدا را خواهند دید. خوشا به حال صلح‌دهندگان، زیرا ایشان فرزند خدا خوانده خواهند شد. خوشا به حال کسانی که در راه نیکی جفا می‌بینند، زیرا پادشاهی آسمانی از آن ایشان است» (انجیل متی، ۶: ۵-۱۱). در مزامیر داوود، کسی که عمل خیر و احسانی انجام می‌دهد نه تنها به مستمندان کمک می‌کند که از سود روحانی نیز برخوردار می‌شود: «او بذل نموده به فقرا بخشیده است، عدالت و نیکوکاری او تا به ابد پایدار است» (مزامیر داوود، ۱۱۲: ۹).

۲. ۱. ۳. اطعام نیازمندان

یکی از مستحبات و اعمال نیک انسانی اطعام فقیران است؛ هرچند در اسلام و آموزه‌های قرآنی سخن از احسان و نیکوکاری و انفاق به فقیران و بینوایان به میان آمده که شامل انواع کمک و یاری به آنان است. با توجه به مفهوم «احسان»، تعبیر «اطعام نیازمندان» یکی دیگر از مصادیق «احسان» شمرده می‌شود. این تعبیر در آیاتی چند آمده است و به‌ویژه با بیان‌های تهدیدآمیز از کسانی یاد شده است که به سرنوشت فقرا و نیازمندان بی‌توجه و از آنها غافل‌اند: «فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ * وَ لَمْ نَكُ نُطْعَمُ الْمَسْكِينِ» (مدرثر: ۴۰-۴۴)؛ «آنها در باغ‌های بهشت‌اند، و سؤال می‌کنند از مجرمان چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟ می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم و اطعام مستمند نمی‌کردیم». آری، از دید قرآن اطعام انسان گرسنه در روز بیچارگی و گرسنگی، ارزش والایی دارد و بی‌توجهی به چنین انسانی در این وضعیت، خشم خدا را به‌شدت برمی‌انگیزد (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۳۰۷/۳).

در کتب عهدین نیز بر این نکته مهم تأکید شده است: «هر گاه بسازی طعامی، فقرا و ضعفا و زمین‌گیران و نابینایان را دعوت کن؛ پس خوشا به حال تو، به جهت آنکه ایشان مالی که به تو عوض دهند ندارند، و عوض تو، در روزی که به صدیقان عوض داده می‌شود است» (لوقا، ترجمه: حسینی خاتون‌آبادی، ۵۴: ۲۱۷). همچنین، در انجیل متی، مانند آیاتی چند از قرآن مجید، درباره کسانی که به اطعام گرسنگان و پوشاندن برهنگان و مأوا دادن غریبان بی‌توجه‌اند، بیان‌های تهدیدآمیزی وجود دارد و وعده کیفر ابدی به آنها داده شده است؛ برخلاف نیکان که به حیات جاودانی وارد خواهند شد (انجیل متی، ۴۰: ۲۵-۴۵).

تعبیر «اطعام مسکین»، یکی از انواع صدقه، زکات و انفاق است. آیین یهود صراحتاً به وجود طبقات مختلف اجتماعی اذعان می‌کند و طبقاتی که نام می‌برد، شامل بی‌پدر، بیوه، فقیر و غریب است (سفر تثبیه، ۲۲: ۱۷). از نظر یهودیان، فقرا طبقه‌ای مستحق توجه‌اند. در سفر خروج، به یهودیان توصیه می‌شود که به سبب شفقت نابجا اجرای عدالت (تسرکه) را به نفع فقرا به انحراف نکشاند. در ارتباط با همین مسئله، مراقبت از

بیماران و عیادت از آنها لازم و واجب تلقی شده است. به طبقهٔ غریبان در تورات به‌شدت توجه شده است: «بر غریب ستم مکن، زیرا که از دل غریب خبر دارید، چون شما در زمین مصر غریب بودید» (سفر پیدایش، ۲۳: ۹).

واکنش مسیحیان به نیازمندان و رسیدگی به وضعیت آنها دقیقاً برگرفته از تعالیم مسیح است. در بسیاری از نکات محل بحث در انجیل، فقرا و معلولان و نیازمندان را که محرومیت‌های شدید دارند، در تماس با حضرت عیسی (ع) می‌بینیم. نیز بسیار بر آن تأکید شده است که آن حضرت با فقیران و نیازمندان همواره می‌نشست و در تماس بود. پولس رسول و دیگر نویسندگان عهد جدید نشان می‌دهند که چگونه مراقبت از نیازمندان به اصلی پذیرفته‌شده از مسیحیت تبدیل شد: «لکن از نیکوکاری خسته نشویم؛ زیرا در موسم آن درد خواهیم کرد، گر ملول نشویم، خلاصه به قدری که فرصت داریم با جمیع مردم احسان بنماییم، به‌خصوص با اهل بیت ایمان» (پولس رسول، ۶: ۹).

تکریم ایتم در مسائل مادی، به‌ویژه سرپرستی و اطعام آنها، از مصادیق بارز و روشن احسان و نیکوکاری است. در دین مقدس اسلام، بر رعایت حال و حفظ حقوق یتیم تأکید فراوان شده است؛ ولی این توجه و اهمیت فقط به اسلام اختصاص ندارد و در ادیان الهی پیش از اسلام نیز سابقه داشته است، چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید؛ و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینویان نیکی کنید» (بقره: ۸۳). «میثاق مقدس تکریم و احسان به یتیم و همچنین بینویان ریشه در همهٔ ادیان الهی دارد و پیامبرانی چون حضرت موسی و عیسی به‌سختی از حقوق چنین افرادی طرفداری کرده‌اند» (کهن، ۱۳۹۰: ۲۴۴). دین مبین اسلام، در جایگاه جامع‌ترین دین الهی، همواره از مستضعفان و محرومان اجتماع حمایت کرده و در این میان ایتم بیش از سایر محرومان مشمول عطف و رحمت قرار گرفته‌اند. برای روشن‌شدن اهمیت موضوع ایتم در اسلام کافی است بدانیم واژه «یتیم» و مشتقاتش ۲۳ بار در آیات قرآن وارد شده و این علاوه بر آیاتی است که مضمونشان درباره یتیم است که عموماً این آیات ناظر به سرپرستی ایتم و شیوه‌های رفتار با آنها است (بقره: ۲۲۰).

۲.۱.۴. محبت

از مسائل مطرح در اخلاق اسلامی و تعلیم و تربیت، مسئله محبت و نقطه مقابل آن، خشونت است. این جمله که «برای دیگران همان را دوست بدار که برای خود دوست می‌داری و همان را دشمن بدار که برای خود دشمن می‌داری» سخن همه ادیان بزرگ دنیا است، نه فقط دین مسیحیت؛ در دین یهود هست، در دین زرتشت و بودا نیز هست و در دین اسلام هم این مضمون به صورت جامع‌تر وجود دارد. علی (ع) در این باره می‌فرماید: «پس دوست بدار بر دیگری آنچه را که برای خود دوست می‌داری و آنچه که برای تو ناروا و ناگوار است، بر دیگران نیز روا مدار؛ ظلم مکن چنان‌که نمی‌خواهی ظلمی به تو برسد و نیکویی کن همان‌گونه که دوست داری به تو نیکویی شود، و آنچه را که نمی‌خواهی درباره‌ی تو گفته شود، درباره‌ی کسی دیگر مگو» (سید رضی، ۱۳۹۱: ۸۳۰/۳۱). این دستور اسلامی دستوری کلی و مطلق است؛ حال آیا واقعاً اسلام در این قاعده عمومی استثنایی آورده، در حالی که در مسیحیت استثنایی نیست؟ یا اختلاف موجود بین اسلام و مسیحیت، در تفسیر محبت است، نه در این اصل کلی؟ این یعنی «همیشه برای خودت خیر و سعادت را می‌خواهی، خیر و سعادت عموم مردم را نیز بخواه و این غیر از محبتی است که مسیحیت کنونی می‌گوید و با محبت ظاهری متفاوت است. پس محبت کردن دو گونه است: یک محبت ظاهری و برای خوش آمدن طرف، ولو به ضرر دیگری. و دیگر محبت مقرون به منطقی، یعنی موافق با مصلحت، ولو اینکه خوشایند طرف هم نباشد» (مطهری، ۱۳۶۷: ۳۵۳). قرآن نیز بر این مسئله مهم تأکید دارد و حتی جواب بدی را با نیکی توصیه می‌کند: «وَ لَاتَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت: ۳۴)؛ «نیکی و بدی هرگز مانند یکدیگر نیست. آن که به تو بدی می‌کند تو به نیکوترین وجهی به او نیکو کن، همان کسی که با تو دشمنی دارد. و اگر او به تو بدی می‌کند، ببخشی و عفو داشته باشی و بلکه متقابلاً به او نیکی کنی، خواهی دید که دشمنی او تبدیل به دوستی می‌گردد».

بنابراین، توصیه به محبت و نیکی در مقابل بدی فقط توصیه اناجیل نیست، بلکه قرآن به بهترین وجه بر آن تأکید می‌ورزد. اگر اسلام دستور نزاع و خشونت می‌دهد که

حد اعلايش همان مسئله جهاد در مسائل جمعی و قصاص در مجازات‌های فردی است، همه از خیرخواهی و مصلحت‌طلبی برمی‌خیزد و هیچ يك از اینها در قانون کلی همه ادیان استثنا نیست.

پس محبت یکی از مسائل مهم تربیتی در اسلام، بلکه در همه ادیان است؛ با این تفاوت که در تفسیر محبت باید دقت شود که محبت واقعی و منطقی با محبت‌های سطحی و غیرمنطقی اشتباه نشود. نکته مهم دیگری که از مقایسه مسئله محبت در آموزه‌های کتاب مقدس و قرآن به دست می‌آید، این است که در مسیحیت محبت الاهی در حق ابنای بشر، خوب و بد، سعید و شقی یکسان و بدون رعایت استحقاق و ضرورت است (بایرناس، ۱۳۹۳: ۵۹۳). در انجیل متی نیز این مضمون آمده است: «زیرا که آفتاب خود را بر بدن و نیکان طالع می‌سازد و باران بر عادلان و ظالمان می‌باراند» (انجیل متی، ۴۵: ۵). این همان معنای رحمانیت خداوند است، بدون اینکه به رحمت خاص الاهی اشاره‌ای شده باشد. ولی در قرآن کریم خدای سبحان دو گونه رحمت دارد: رحمتی مطلق، فراگیر و بی‌مقابل، و رحمتی خاص که در برابر غضب او است. «رحمت رحمانیه ذات اقدس الاهی همه چیز را زیر پوشش دارد: دنیا و آخرت، مؤمن و کافر، رحمتی است نامتناهی همانند آفتابی که بر زندگی همه می‌تابد و بارانی که بر هر سرزمین می‌بارد» (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۱/۲۹۳)؛ «و رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (اعراف: ۱۵۶)؛ و آیه «رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً» (غافر: ۷). این رحمت فراگیر همان فیض و نور فراگیر وجود است که هستی هر موجودی را روشن کرده است؛ «قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَانُ مَدًّا» (مریم: ۷۵). اما رحمت رحیمیه در مقابل عذاب الاهی قرار دارد و رحمت ثابت و راسخی است که از گسترش کمی به میزان رحمت رحمانیه برخوردار نیست و این همان رحمت خاصی است که فقط بر مؤمنان و نیکوکاران افزوده می‌شود: «وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» (احزاب: ۴۳). توفیق یاری دین و فراگیری معارف الاهی، انجام‌دادن عمل صالح در دنیا و رسیدن به بهشت و رضوان الاهی در آخرت، از مظاهر بارز رحمت رحیمیه است (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۱/۲۹۳).

برخلاف اناجیل، از تعالیم قرآن کریم چنین استفاده می‌شود که در درگاه الاهی هیچ‌گاه مؤمن و کافر و سعید و شقی یکسان نبوده‌اند و مؤمنان در دنیا و آخرت از رحمت ویژه و خاص پروردگار خویش برخوردارند و این عین عدالت الاهی است. از این رو در دین اسلام، چه در رابطه خداوند با انسان‌ها و چه در رابطه انسان‌ها با یکدیگر، همواره دو نوع رحمت و محبت محل توجه بوده است. خدای سبحان در پاسخ موسای کلیم (ع) که تثبیت حسنه (رحمت خاص) را در دنیا و آخرت مسئلت می‌کند، اصول سه‌گانه زیر را تبیین کرده است: ۱. عذاب الاهی بر اساس مشیت حکیمانه‌اش بر افرادی خاص نازل می‌شود؛ ۲. گستره رحمت فراگیر الاهی همه چیز (حتی عذاب) را شامل می‌شود (رحمت مطلق)؛ ۳. در عین فراگیری رحمت، آن را برای مؤمنان و پرهیزکاران تثبیت می‌کند (رحمت خاص). رحمتی که فقط بهره پرهیزکاران است، رحمت خاص (رحیمیه) است، رحمت عام و مطلق (رحمانیه) که هم پرهیزکار و هم تبهکار را زیر پوشش دارد (همان: ۲۹۵/۱).

در مسیحیت محبت جزء وظایف اولیه هر فرد است. از دیدگاه کتاب مقدس، محبت همیشه مربوط به بذل نفس یا خودبخشیدن است و هرگز احساسات محض نیست. «محبت فعالیتی است که اراده سهم مهمی در آن دارد» (استیفن، ۱۳۳۵: ۲۹). عشق و محبت و گذشتی که از این اصل انسانی الاهی نتیجه می‌شود، در تعلیمات عیسی مهم‌ترین اصل اخلاقی است. جالب است که حتی پولس، که برخلاف اناجیل فقط ایمان را پایه رستگاری می‌شمارد، ایمان بدون عشق را بی‌حاصل می‌داند و در نامه اول قرنتیان، به‌روشنی بر این اصل تأکید می‌کند: «اگر قادر به نبوت و درک کلیه اسرار الاهی و تمام دانش‌ها باشم و دارای ایمانی باشم که بتوانم کوه‌ها را از جایشان به جای دیگر منتقل کنم، ولی محبت نداشته باشم، هیچ هستم. خلاصه این سه چیز باقی می‌ماند: ایمان و امید و محبت؛ ولی بزرگ‌ترین اینها محبت است» (نامه اول قرنتیان، ۱۲: ۱۳).

یکی از صفات بارز عیسی (ع) این بوده است که پیروانش را از امور ظاهری به سوی امور باطنی متوجه کند و ادراکات درونی را که مبتنی بر تمایلات روحانی باشد، جانشین تظاهر و ریاکاری کند. از نظر او، نجات و رستگاری آدمی در زندگانی، از

قلبش سرچشمه می‌گیرد و اخلاق بر پایهٔ محبت بنا شده است، نه بر پایهٔ قانون. با این همه، مسیح (ع) هیچ يك از قوانین را باطل نمی‌کند و اصول اخلاقی نویی نمی‌آورد (یاسپرس، ۱۳۸۹: ۲۱).

اصل اساسی تورات یعنی «هم‌نوع خود را مانند خودت دوست بدار» در گنجینه‌ای از تلمود نیز بیان شده است (کهن، ۱۳۹۰: ۲۳۳). عیسی (ع) نیز با اقتباس از همین اصل (سفر تثنیه، ۶: ۵) وصیت بزرگش را محبت به خدا و دوستی نزدیکان می‌داند، که با حفظ این دو، وصایای ده‌گانه و همهٔ شرایع ادبی عهد قدیم حفظ می‌شود. یعنی به جای اینکه آنچه واجب نیست انجام دهیم، متوجه باشیم بر آنچه می‌توانیم انجام دهیم، و متمرکز شویم بر اظهار محبتمان به خدا و دیگران که این دو ملازم یکدیگرند (میدیا، ۱۹۹۵: ۸۶). در انجیل لوقا، مهربانی جزء صفات خود خدا به شمار آمده است: «چون که او با ناسپاسان و بدکاران مهربان است» (انجیل لوقا، ۳۵: ۶). این آیه قسمتی از موعظه معروف «سر کوه» مسیح است که شرحش در انجیل متی آمده است: «زیرا آفتاب خود را بر بدن و نیکان طالع می‌سازد و باران بر عادلان و ظالمان می‌باراند» (انجیل متی، ۴۵: ۵).

نتیجه

از مجموع بررسی تطبیقی مصادیق «احسان» در قرآن و عهدین نتایج زیر به دست آمد:

پیامبران الهی در طول تاریخ بشر، همراه با فراخواندن امت‌ها به پرستش خدای واحد، همواره با اتکا به ارزش‌های اخلاقی مشترک، انسان‌ها را به رشد و رویش رهنمون می‌کردند. بدون تردید در دین مبین اسلام آموزه‌های اخلاقی و وحیانی به طور تمام و کمال مطرح شده است؛ اما هر صاحب اندیشه‌ای اهداف و وجوه مشترک ادیان توحیدی را در پرتو تعالیم اخلاقی آنان به‌روشنی می‌بیند. در میان فضیلت‌های اخلاقی مشترک، تشویق به احسان و نیکوکاری و برانگیختن حس نوع‌دوستی در بین انسان‌ها، به منظور برقراری عدالت اجتماعی، که از اهداف اصلی ارسال رسل و انزال کتب بوده است، امروزه اهمیت بیشتری دارد.

یکی از مسائلی که ادیان الاهی در این زمینه برای آن اهمیت قائل شده و در معارف قرآنی و کتب عهدین نیز به آن توجه شده است، آموزه‌های اخلاقی دربارهٔ احسان و نیکوکاری به هم‌نوعان است. زیرا اخلاق با ملکات نفسانی، تزکیهٔ نفس، اعمال و رفتار فردی و روابط اجتماعی انسان ارتباط عمیق دارد و وجود جامعهٔ اخلاقی مطلوب باعث تنظیم روابط انسان با خدا می‌شود و ارتباط او را با اعضای جامعه سامان می‌بخشد و رستگاری و کمال فرد و اجتماع انسانی را تضمین می‌کند.

همان‌گونه که در کتب مقدس قرآن و عهدین نمونه‌هایی ذکر شد، با وجود افتراقات و اشتراکاتی که با هم دارند، می‌توان نتیجه گرفت که قرآن و عهدین در زمینه‌های مصادیق احسان همچون انفاق، نیکوکاری، محبت، کمک به هم‌نوع، یتیم‌نوازی و ... به طور کلی با هم توافق دارند، با این تفاوت که قرآن دستورهای جامع‌تر و کامل‌تری بیان کرده است. در زمینه پنهانی‌دادن انفاق و صدقه، قرآن و عهد جدید شباهت بیشتری دارند و درباره یتیم‌نوازی در عهد جدید کمتر سخن گفته شده و بیشتر به مقوله محبت پرداخته شده است؛ هرچند در این پژوهش، همهٔ مصادیق احسان را بررسی نکردیم و کوشیدیم بیشتر مصادیقی بررسی شود که با انسان در ارتباط است.

منابع

قرآن کریم (۱۳۹۲). ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: نشر عابدزاده.
سید رضی، محمد بن حسین (۱۳۹۱). *نهج البلاغه*، ترجمه: محمدتقی جعفری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

آشتیانی، جلال‌الدین (۱۳۸۹). *تحقیقی در دین مسیح*، تهران: نگارش، چاپ اول.
استیفن، نیل (۱۳۳۵). *سیرت کامل شخص*، تهران: نور جهان.

انجیل لوقا (۱۹۸۱). ترجمه: مولوی عمادالدین، بیروت: المطبعة الأمريكية، الطبعة الثالثة.

انجیل متی (۱۹۹۹). ترجمه: مولوی عمادالدین، بیروت: المطبعة الأمريكية، الطبعة الثالثة.

بایرناس، جان (۱۳۹۳). *تاریخ جامع ادیان*، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ اول.

پولس رسول (۱۹۸۸). *رساله به غلاطیان*. ترجمه: مولوی عمادالدین، بیروت: المطبعة الأمريكية، الطبعة الرابعة.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲). *تسنیم: تفسیر قرآن کریم*، تهران: اقدسیه، چاپ سوم.

- حسینی خاتون‌آبادی، میرمحمدباقر بن اسماعیل (۱۳۸۳). ترجمه *اناجیل اربعه*، تهران: فرهنگ خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۳). *دانش‌نامه قرآن و قرآن‌پژوهی*، تهران: نشر دوستان، چاپ اول رازی، محمد بن عمر (۲۰۰۳). *التفسیر الکبیر*، بیروت: دار احیاء التراث، الطبعة الاولى.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۲۰۰۱). *معجم مفردات الفاظ قرآن*، تحقیق: ندیم مرعشلی، قم: المكتبة المرتضویه، الطبعة الاولى.
- سفر پیدایش* (۱۹۹۲). ترجمه: مولوی عماد‌الدین، بیروت: المطبعة الأمريكية، الطبعة الثانية.
- سفر تنبیه* (۱۹۸۱). ترجمه: مولوی عماد‌الدین، بیروت: المطبعة الأمريكية، الطبعة الاولى.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳). *المیزان*، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، چاپ دوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *اصول کافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، الطبعة الاولى.
- کهن، ابراهام (۱۳۹۰). *گنجینه‌ای از تلمود*، ترجمه: امیرفریدون گرگانی، تهران: اساطیر، چاپ اول.
- مزامیر داوود* (۲۰۰۱). ترجمه: مولوی عماد‌الدین، بیروت: المطبعة الأمريكية، الطبعة الرابعة.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶). *اخلاق در قرآن*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران: صدرا، چاپ اول.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *آشنایی با قرآن*، تهران: صدرا، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ و دیگران (۱۳۷۶). *تفسیر نمونه*، قم: ذوی القربی، چاپ سوم.
- میدیا، ماستر (۱۹۹۵). *التفسیر التطبیقی للعهد الجدید*، القاهرة: شرکه ماستر میدیا، الطبعة الاولى.
- نامه اول قرن‌تینان (۱۹۹۹). ترجمه: مولوی عماد‌الدین، بیروت: المطبعة الأمريكية، الطبعة الثالثة.
- یاسپرس، کارل (۱۳۸۹). *مسیح*، ترجمه: احمد سمیعی گیلانی، تهران: خوارزمی، چاپ سوم.

References

- The Holy Quran. 2014. Translated by Naser Makarem Shirazi, Tehran: Nashr Abedzadeh.
- Ashtiyani, Jalal al-Din. 2011. *Tahghighi dar Din Masih (Research in the Religion of Jesus Christ)*, Tehran: Negaresh, First Edition. [in Farsi]
- Boyer Noss, John. 2015. *Tarikh Jame Adyan (Comprehensive History of Religions)*, Tehran: Scientific & Cultural, First Edition. [in Farsi]
- Gospel of Luke*. 1981. Translated by Molawi Emad al-Din, Beirut: American Press, Third Edition. [in Farsi]
- Gospel of Matthew*. 1999. Translated by Molawi Emad al-Din, Beirut: American Press, Third Edition. [in Farsi]
- Hoseyni Khatun Abadi, Mir Mohammad Bagher ibn Esmail. 2005. *Tarjomeh Anajil Arba'ah (Translation of the Four Gospels)*, Tehran: Farhang. [in Farsi]
- Jaspers, Karl. 2011. *Masih (Jesus Christ)*, Translated by Ahmad Sami'i Gilani, Tehran: Kharazmi, Third Edition. [in Farsi]
- Jawadi Amoli, Abdollah. 2014. *Tasnim: Tafsir Quran Karim (Tasnim: Interpretation of the Holy Quran)*, Tehran: Aghdasiyeh, Third Edition. [in Farsi]
- Khorranshahi, Baha al-Din. 2005. *Danesh Nameh Quran wa Quran Pajuhi (Encyclopedia of the Quran and Quran Research)*, Tehran: Nashr Dustan, First Edition.
- Kohn, Abraham. 2012. *Ganjineh-yi az Telmud (A Treasure Trove of the Talmud)*, Translated by Amir Fereyduun Gorgani, Tehran: Asatir, First Edition. [in Farsi]
- Koleyni, Mohammad ibn Yaghub. 1946. *Osul Kafi*, Tehran: Islamic Books Institute, First Edition. [in Arabic]
- Makarem Shirazi, Naser et al. 1998. *Tafsir Nemuneh (Sample Interpretation)*, Qom: Zawi al-Ghorba, Third Edition. [in Farsi]
- Mazamir Dawud (Psalms of David)*. 2001. Translated by Molawi Emad al-Din, Beirut: American Press, Fourth Edition. [in Farsi]
- Media, Master. 1995. *Comparative Interpretation of the New Testament*, Cairo: Master Media Company, First Edition. [in Arabic]
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi. 2008. *Akhlagh dar Quran (Ethics in the Quran)*, Qom: Imam Khomeyni Educational and Research Institute. [in Farsi]

- Motahari, Morteza. 1989. *Talim wa Tarbiyat dar Islam (Training and Education in Islam)*, Tehran: Sadra, First Edition. [in Farsi]
- Motahari, Morteza. 1999. *Ashnayi ba Quran (Introduction to the Quran)*, Tehran: Sadra, First Edition. [in Farsi]
- Nameh Awwal Gharantiyan*. 1999. Translated by Molawi Emad al-Din, Beirut: American Press, Third Edition. [in Farsi]
- Polos Rasul. 1988. *Resaleh be Ghalatiyan*. Translated by Molawi Emad al-Din, Beirut: American Press, Fourth Edition. [in Farsi]
- Ragheb Esfehani, Hoseyn ibn Mohammad. 2001. *Mojam Mofradat Alfaz Quran (Dictionary of Quranic words)*, Researched by Nadim Marshli, Qom: Mortazawiyah Library, First Edition. [in Arabic]
- Razi, Mohammad ibn Omar. 2003. *Al-Tafsir al-Kabir (The Great Exegesis)*, Beirut: Foundation for the Revival of Heritage, First Edition. [in Arabic]
- Sefr Peydayesh (Genesis)*. 1992. Translated by Molawi Emad al-Din, Beirut: American Press, Second Edition. [in Farsi]
- Sefr Tathniyeh (Deuteronomy)*. 1981. Translated by Molawi Emad al-Din, Beirut: American Press, First Edition. [in Farsi]
- Seyyed Razi, Mohammad ibn Hoseyn. 2013. *Nahj al-Balaghah*, Translated by Mohammad Taghi Jafari, Tehran: Islamic Culture Publishing Office. [in Farsi]
- Stephen, Neil. 1957. *Sirat Kamel Shakhs (Perfect Personality of a Person)*, Tehran: Nur Jahan. [in Farsi]
- Tabatabayi, Mohammad Hoseyn. 1985. *Al-Mizan*, Translated by Seyyed Mohammad Bagher Musawi Hamedani, Tehran: Allameh Tabatabayi Scientific and Intellectual Foundation, Second Edition. [in Farsi]